

نگاهی بی‌واسطه به تاجیکستان و تاجیکان

نوشته احمد بشیری

صدای خشن خشن کشیده شدن جارو، بر خاک خشک، از خواب بیدارم کرد.

آفتاب، تازه سرزده بود و از بالاترین شیشه پنجره اتاق رویرو، نور خورشید، به کف اتاق می‌تابید و مانند یک آیشار زرین، بر روی فرش می‌ریخت و دامنه‌اش تا پای تختخوابی که من بر روی آن آرمیده بودم، کشیده می‌شد.

از اینکه نخستین شب وهمناک و «خواب ریاهی» دوشنبه را، سپری کرده بودم، شادمان گردیدم و از تخت فرود آمدم.

صدای خشن خشن؛ هنوز به گوش می‌رسید؛ از پنجره به پاتین نگاه کردم، زن رفتگر میانسالی، سرگرم جارو کردن زیر درختان پیرامون آپارتمانها بود.

دیدن رفتگر زن، برای من متعارف نبود و یک دم، جا خوردم ولی بی‌درنگ به یاد آمد که در این دیار، «فرهنگ کار» چنان برای مردم جا افتاده است که تشریف «کار»، بر اندام هیچکس ناساز نیست. در اینجا، هر کس، می‌تواند به هر کاری دست یازد به شرطی که آمادگیش را داشته باشد. هیچ کاری برای هیچکس کوچک یا بزرگ نیست و هیچکس برای هیچ کاری زیاد یا کم نمی‌نماید. کار سخت و آسان و کارگر مرد یا زن معنی ندارد. در جانی، پیرزنی را دیدم که از داربست بنانی بالا رفته و سرگرم تعمیرکاری ستون سبندی در یک ساختمان دولتی بود و در جای دیگر، زن جوانی، یک لوله قطور آب را جو شکاری می‌کرد.

حکومت کارگری گذشته، با همه معایبی که داشت، فرهنگ «کار» و «مطالعه» را در ذهن ملل زیر سیطره‌اش جا انداخت و به صورت «طبیعت ثانویه» آنان درآورد.

صدای تقه در بلند شد. میزبانم بود که مرا به خوردن ناشتانی فرا می‌خواند. با هم ناشتانی را خوردیم و از در بیرون زدیم.

همین که پایمان به خیابان رسید، با یک نظر دریافتم که شهر دوشنبه نابسامانی و نارسایی‌های فراوان دارد. در مسیر راه تا خیابان، جانی یک تل بزرگ زیاله را آتش زده بودند و دود و بوی گند آن فضا را پر کرده بود. از کنار یک فروشگاه بزرگ دولتی (گوم) سابق به مساحت دو سه هزار متر گذشتیم که در آن، بجز تعداد فراوانی قفسه خالی، فقط تعدادی شیشه

(بانکه) پر از تشری و مریا در کنار هم چیده بودند. همراهم گفت این تشری و مریاها مربوط به سالها پیش، و همه فاسد شده است به همین جهت خریداری ندارد.

از این دست کمبودها و ناهنجاریها، فراوان بود که ناچارم از پرداختن به آنها بگذرم و تنها به یک نمونه از آن همه و به عنوان «مشت، نمونه خروار»، بس کنم!

محلی که مورد اشاره است در گذشته یکی از بزرگترین کتابفروشی‌های شهر دوشنبه بوده، هنگامی که ما به داخل همین فروشگاه رفیقیم، معلوم شد بخش بسیار کوچکی از آن برای عرضه کتاب و نوشت افزار نگهداری و بقیه‌اش به فروشگاه لباس‌های نو و دست دوم و اسباب‌بازیهای ارزان قیمت بچه‌ها و خنزر پنزهای متفرقه دیگر، اختصاص داده شده است!



دو ستم گفت در گذشته که کاغذ فراوان و امکانات چاپ و نشر آن بسیار بود، هم کتاب زیاد چاپ می‌شد و هم مردم آنها را به بهای ارزان می‌خریدند ولی مدتها است که دیگر کتابی چاپ نمی‌شود و اگر هم چاپ شود، چون گرانها است و مردم پول خریدنش را ندارند، روی دست ناشرش می‌ماند و برای همین است که فروشگاههای کتاب، یکی پس از دیگری تعطیل می‌شود!

تیراژ کتاب در تاجیکستان در گذشته بد نبوده و گاه تا ده هزار نسخه هم می‌رسیده است ولی اکنون، کمتر پیش می‌آید که از دو هزار نسخه بالا بزنند و این تیراژ ناچیز، برای تاجیکستان امروز که هیچ بی‌سواد ندارد و همه مردم به اصطلاح «از شیر تا پیری» به کتاب خواندن عادت دارند، بسیار فقیرانه و اندوهبار است.

در مسیر گردشهای روزانه‌ام در شهر دوشنبه، بارها قدم کودکان خردسال یا پیران کهنسال را که در گوشه پارکها یا کنار خیابانها و زیر سایه درختان،

سخت سرگرم کتاب خواندن بودند و از «جهان و هر چه در او هست»، دست کشیده و به لای صفحات کتاب، خزیده بودند!

این نکته هم فراموش نشود که در تاجیکستان، تقریباً قلم‌آزاد است و در مورد چاپ و نشر کتاب، از «همسزی» و «سانسور» و این جور محدودیت‌ها، خبری نیست!

پس از طی چند کویچه، وارد خیابان «امیر اسماعیل سامانی» شدیم که خیابانی است پت و پهن و نسبتاً سرسبز و پر درخت و از خیابانهای اصلی شهر. خیابانهای دوشنبه، تا دلت بخواد، خلوت و کم رفت و آمد است و معمولاً بجز وسائط نقلیه همگانی، وسیله دیگر یا دیده نمی‌شود و یا بسیار کم و ناچیز است. در آنجا، به علت گرانی بهای بنزین (لیتری ۱۲۰ روبل روسی یعنی کمی بیشتر از ۱۲۰ تومان ایران) و «کیسه بیماری» مردم، کمتر کسی با وسیله شخصی به خیابان می‌آید و تقریباً اکثریت نزدیک به تمام اهالی شهر، با وسائط نقلیه عمومی رفت و آمد می‌کنند. شهر دوشنبه تقریباً ۱/۲ میلیون نفر جمعیت دارد.

کمی وسائط نقلیه در خیابانها، و وجود دار و درخت نسبتاً فراوان، این مزیت را به شهر دوشنبه داده است که در آنجا، از آلودگی هوا و فضا به علت دود و سر و صدای وسائط نقلیه و «هوای گلخانه‌ای» و اینگونه اسامی و القاب گنج‌کننده، خبری نیست و هوای شهر، بسیار پاکیزه و روح‌بخش است.

خیابان «امیر اسماعیل سامانی» در گذشته، «پتوفسکی» نام داشته است و هنوز هم بر کتیبه‌های خیابان، نام قدیمی «پتوفسکی» به خط «سیریلیک» که فعلاً خط مرسوم تاجیکان است، دیده می‌شود.

شدیم که در چند جای خیابان، نام پتوفسکی را به امیر اسماعیل سامانی گردانیده‌اند ولی خودم اثری از این تغییر نام ندیدم. ظاهراً هنوز تا نام امیر اسماعیل سامانی در تاجیکستان رسمیت کامل پیدا کند، زمان بیشتری لازم است!

پتوفسکی، گویا نام یک افسر لهستانی الاصل کمونیست بوده است که در جنگهای بین کمونیستها و «پاسه چی»‌ها در تاجیکستان، بسیار فعالیت کرده و قدرت کمونیستی را در شهر دوشنبه استوار گردانیده است. و از این رون، نام او بر کتیبه یکی از بزرگترین خیابانهای شهر دوشنبه نقش بسته و مجسمه نیم تنه‌اش نیز، در برابر «استخر جوانان» که در همین

اجتماعی

خیابان واقع است، برپا گردیده است.

مردم، از نام پتوفسکی سخت بیزارند و می‌گویند چندین بار مجسمه او را از جای کنده و به ته استخر جوانان سرنگون کرده‌اند ولی مسوولان دولتی، مجسمه را از آب بیرون کشیده و بر جای خودش نهاده‌اند.

در سر صف اتوبوس، از مسافری که در کنارم ایستاده بود، پرسیدم: این پتوفسکی چه کاری کرده که مجسمه‌اش را در اینجا گذاشته‌اند؟ بی‌درنگ و با خونسردی پاسخ داد:

«تاجیک، بسیار کشته است!»

درباره اسامی خیابانهای دوشنبه، این را هم باید دانست که هنوز غالباً همان نامهای قدیمی دوران چیرگی حکومت شوروی بر تاجیکستان، با خط سیریلیک بر جا است و جای خود را به اسامی تاجیکی و احياناً خط فارسی، نداده است. و جای شگفتی است که مردم تاجیکستان، در حالی که از استقلال و آزادی می‌زنند که بر در و دیوار شهر و دیارشان، آثار استعمار قدیم، خودنمایی می‌کند: «به سر مناره، افشتر رود و فغان برآرد که نهان شدستم اینجا، مکتبم آشکارا!»

فقر و اندوه‌زدگی

مردم تاجیک، در این باره و درباره مسائلی از این دست، عقیده‌نی شنیدنی دارند: آنها می‌گویند چون حکومت کنونی تاجیکستان هنوز توانائی رهائی از زیر یوغ «روسها» را ندارد، اینست که جرأت نمی‌کند دست به ترکیب سازمانها، نظامها، مقررات و آثار دوران حکومت گذشته در تاجیکستان بزند.

بیگانه‌ئی که وارد خیابانهای شهر دوشنبه شود، و سری به گوشه و کنار اجتماع بزند، با اندکی کنجکاری، می‌تواند آثار ناداری و فقر و بیکاری مزمن و خانمانسوز را در چهره مردم و سازمانها بخواند.

تاجیکستان فقیر است و مردمش گرفتار و اندوه زده‌اند. چرا؟ برای این که هفتاد و اندی سال که در پشت «پرده آهنین» زندانی بوده است، هر چه کاشته و برداشته، همه را حکومت مرکزی حزب حاکم کمونیست، از چنگش ربوده و برده و «خروج آتینا» کرده و تاجیکان را مانند دیگر ملل در بند، واداشته است که به «نان بخور و نمیر» بسازند و دم بر نیآورند تا انگ «خیانت» به «حزب» بر پیشانی آنان زده نشود!

پس از آنکه حکومت کمونیستی از هم پاشیده شد و تاجیکستان به اصطلاح «آزاد» گردید، تا مردم بخود آمدند، گرفتار «جنگ خانگی» و «نبرد قدرت» شدند که هنوز هم هستند.

برایند جنگ و برادر کشی چند ساله، این شد که تا برادران به جان یکدیگر افتادند و بازی «عروسک زیروز و کشور» بر پا گردید، روسها آشننگی تاجیکان را غنیمت شمرده، هر چه کارخانه و تأسیسات صنعتی کارآمد بود، از کشور بیرون بردند و هنوز هم جنگ ابناء تاجیک به پایان نرسیده‌است و هستند بعضی‌ها،

که نمی‌خواهند جنگ به پایان برسد و چنانکه می‌گفتند روسها، به دو طرف جنگ کمک می‌کنند و اسلحه و مهمات می‌رسانند تا آنها، همچنان به جان هم بیفتند و سرگرم کشتار یکدیگر باشند و عرصه برای هرگونه چپاولی باز و بی‌معارض باشد!

جنگ خانگی و برادر کشی تاجیکان، همواره مرا به یاد یک کاریکاتور در مطبوعات خارجی می‌اندازد که دو نفر بر سر تصاحب گاوی با هم می‌جنگیدند، یکی شاخ گاو و آن دیگری دم حیوان را گرفته بود و به طرف خود می‌کشید و در آن میان «زنده‌ی، سطلی زیر پستان گاو گذاشته بود و با آسودگی خیال، شیر آن را می‌دوشید!

در این کشور، نه از صنعت خیرگی است و نه از اقتصاد اثری! و چون سیاست حکومت گذشته اقتضای داشته است که کشورهای آسیای میانه، بر روی پای خودشان نایستند تا قیلاشان یاد هندوستان نکند و به اندیشه «آزادی» نیفتند، امکانات و تخصص‌های کلیدی نیز در دسترس این ملل گذاشته نشده است که اکنون بتوانند خودشان را از گرداب نابسامانی و اره‌اند و شالوده‌سازمانهای فنی و اقتصادی استواری را بریزند. از همین رو است که اوضاع اقتصادی ملت تاجیک، هر روز بدتر می‌شود و مردم پریشانتر و گرفتارتر می‌گردند!

تاجیکستان، روی هم رفته، کشوری است کوهستانی با جمعیت در حدود پنج میلیون نفر و از همه مساحت آن، تقریباً ۹۳ درصد کوهستان و ۷ درصد زمین کشاورزی است و در این زمینها، بیشتر پنبه کاشته می‌شود و کمتر گندم که در این باره نیز، کاستی وسایل کشاورزی بسنده و کمبود سرمایه کار و خرید ابزار کار، گرفتاری بزرگی است بر سر راه پیشرفت و شکوفائی کشاورزی و رهائی کشور از چنگال ذرخیمی بحران اقتصادی!

مردم می‌گفتند، تا چند ماه پیش، اوضاع نان در دوشنبه بسیار بد بوده و گاه، اشخاص، پس از ساختن مصلی و سرگردانی در ستر صف نان، موفق به خرید یک گرده نان هم، نمی‌شده‌اند. ولی در روزهایی که من در شهر دوشنبه بسر می‌بردم، وضعیت نان مردم خوب بود و در همه جا، نان به دست می‌آمد ولی

مردم از گرانی نان به خصوص نسبت به گذشته، بسیار ناراضی بودند!

البته تاجیکستان، در باطن امر، کشوری غنی و توانمند است زیرا که در کوههای آن کشور، بیش از ۳۰۰ گونه مواد کانی تخمین زده شده است که اگر تاجیکان بتوانند از آنها بهره‌برداری کنند، چیزی نخواهد گذشت که چهره غمگین و فقرزده کنونی مردم، جای خود را به چهره‌های شاداب و سرفراز خواهد داد.

در حال کنونی، دو ماده بزرگ کانی تاجیکستان، در دست دو دولت خارجی است که گمان نمی‌رود چیزی از درآمد آن به کیسه تاجیکان برود. طلای تاجیکستان را انگلیس‌ها استخراج می‌کنند و اورانیوم آن را، روسها می‌برند و اگر بر سر مواد کانی دیگر نیز همین بلا بیاید، باید گفت: «در جبین این کشی، نور رستگاری نیست!»

تنها صادرات اصلی و مهم تاجیکستان «پنبه» است که درآمد آن، طبعاً صرف هزینه‌های کمرشکن جنگ خانگی تاجیکان می‌شود و یا به گفته برخی از مردم، تبدیل به اتومبیل و لوازم لوکس و گرانبها و آلاش و الوف دیگر، برای سردمداران و «از ما بهتران» کشور می‌گردد!

افتتاح کلینیک دندانپزشکی تهران

مجتمع خدمات دندانپزشکی و دندانسازی تهران با کادری ورزیده (اعضای جوامع دندانپزشکی اروپا و آمریکا) مجهز به بخشهای ترمیمی- معالجه ریشه (روت کانال)- ساخت دندانهای مصنوعی- پروتزهای ثابت و متحرک- ارتودنسی- جراحی دهان- اطفال و کاشت دندان و زیبایی و دارای لابراتوار مدرن دندانسازی می‌باشد. لذا بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند که جهت پذیرائی از بیماران محترم از ساعت ۸ صبح الی ۸ شعب در تمام ایام هفته بجز تعطیلات رسمی آماده ارائه خدمات فوق می‌باشد.

نشانی:

مرکز شماره ۱: تهران، میدان هفت تیر (ضلع غربی میدان)، اول خیابان شهید لطفی (تأبند)، ساختمان تک، طبقه هشتم. تلفن: ۸۸۴۱۵۶۹
مرکز شماره ۲: خیابان انقلاب، چهارراه ولیعصر، بعد از پارک دانشجو، نرسیده به کالج، ساختمان ۱۱۳۰، طبقه اول. تلفن: ۶۷۵۵۸۸

تاجیکستان، از نظر اقتصادی، بیمار است و نیازمند دارو و پرستاری و در این موارد، بهترین پرستاران، نزدیکترین کسان بیماران و تاجیکستان، نزدیکتر از ایران، یاری ندادند که او را همیاری و پرستاری کند.

بررسی‌های اجمالی من، در خلال چند روزی که در آنجا بودم، نشان می‌داد که دولت ایران، در مقاطع مختلف، کمک‌هایی به تاجیکان رسانده است که ناچیز است و باید وسیعاً تقویت شود...

سفر سابق ایران (آقای علی اشرف مجتهد شبستری) در میان مردم «گل کرده» است و همه جا از او به نیکی نام می‌برند و هیچکس را از معاریف فرهنگی و دانشگاهی شهر ندیدم که سپاسگزارانه و

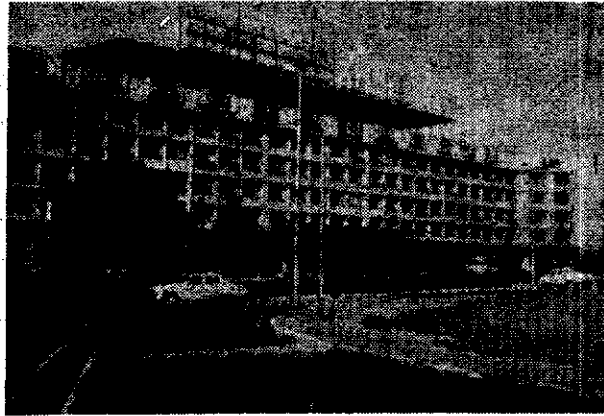
دوستانه از سفیر ایران یاد نکنند می‌گفتند که ایشان تلاش بسیار در راه برقراری اشتی در تاجیکستان کرده است و در ماجرای سیل زدگی مردم «کولاب» با تمام قوای خود به کمک آنان شتافته است و با نگرش به اینکه کولابها، از حامیان حاکمیت فعلی تاجیکستان و از مخالفان گروه‌های به اصطلاح «پوزیسیون» هستند، خود این امر، نشانه‌ای از بی‌طرفی سفیر ایران شمرده می‌شود و به کمک‌های ایران، حالتی طبیعی تر می‌دهد.

باز، می‌گفتند که سفیر ایران در زمینه گسترش مناسبات فرهنگی بین ایران و تاجیکستان، تلاش بسیار کرده و از جمله در چند شهر تاجیکستان مانند «دوشنبه»، «خجند»، «پنج‌کت» و... کتابخانه‌های قابل توجهی برپا گردانیده و به علاوه از کمک‌های مالی به مؤسسات فرهنگی نیز کوتاه نیامده است.

البته من شخصاً با سفیر ایران آشنائی قبلی نداشتم و هر چه تلاش کردم نتوانستم ایشان را در محل کارش ملاقات کنم تا درباره جزئیات این مطلب، چیزی بپرسم پس مسئولیت کم و زیاد شنیده‌هایم، به اصطلاح «بر عهده او» است که همان معاریف فرهنگی و دانشگاهی تاجیکستان هستند و من بیشتر با آنان حشر و نشر داشتم.

این را هم شنیدم که در داخل حاکمیت فعلی تاجیکستان، کسانی هستند که نظر خوبی با سفیر ایران نداشته‌اند یا ندارند البته این امر، ناشی از اختلاف سلیقه‌های سیاسی است.

ما باید در انتخاب مأمورانی که به تاجیکستان می‌فرستیم، دقیقاً مراقب باشیم که آنها قلباً تاجیکستان و مردم آنجا را دوست بدارند نه اینکه برای انجام «وظایف رسمی» رهسپار آن دیار گردند. من برآنم که ایران، باید در کنار تاجیکستان باشد و بجای کمک‌های متفرقه گوناگون، که غالباً نتیجه خوبی به بار نیاورده و یا دست کم «خاصیت» چندانی نداشته است، بهتر است برای حل مسائل و مشکلات کشورهای هم پارچه ایران، مانند تاجیکستان و افغانستان، گام‌های



مهمانسرای «دوشنبه» در میدان عینی... خلوتی خیابانها یکی از ویژگی‌های شهر دوشنبه است.

روس و... در تاجیکستان، از چپاول عقب نرفتند و الا دلشان یک سر سوزن به حال مردم تاجیک نیست خسته است. به «ملانصرالدین» گفتند کسی آمده است و ادعای پیغمبری می‌کند. پرسید این آدم دهان هم دارد؟ گفتند آری. گفت پس برای خوردن آمده است.

اما، آیا این آمریکاییهای «زرنگ» و «موقع‌شناس»، در برابر حریفانی «چغل» و «ناقلا» مانند روسها، کاری از پیش خواهند برد؟ آینده نشان خواهد داد که: «... یار که را خواهد و میلش به چه باشد!»

با همه اینها، در این میان، ایران، روس و انگلیس و آمریکا نیست تا برای «مال اندوژی» در دیار تاجیکان، «مال اندیشی» و «نقشه کشی» کنند بلکه در ماجرای

اساسی برداشته شود و به ویژه از دیدگاه فرهنگی، حتی یک دقیقه هم غفلت ورزیدن، گناهی بزرگ و نابخشودنی است.

مرکز فرهنگی ایران در شهر دوشنبه، فعال نیست و حکم «چرخ پنجم» را دارد و باید فعال شود. چاپخانه وزارت امور خارجه در آنجا، «چهل در میان» کار می‌کند و بودجه کمک‌های مصوبه برای تاجیکستان،

بسنده و خرسند کننده نیست.

ما باید به تاجیکستان کمک کنیم که دست کم، برخی از معادش را استخراج و کسب درآمد کند تا از زیر یوغ وابستگی به برخی از دول بزرگ بیرون بیاید و واقعاً مستقل و خودکفا گردد. این کمک‌ها باید عملی و واقعی باشد نه شعاری و یا در حد «مسکن».

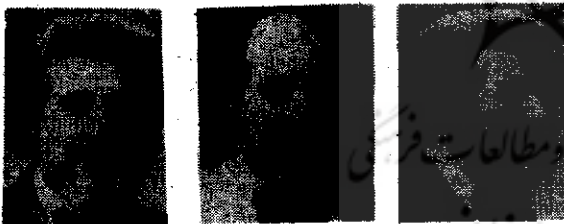
البته تاجیکستان در زیر زمین و ژرفای بسیار زیاد «نفت» دارد که نمی‌تواند آن را استخراج کند و گویا فقط با دستگاه‌های حفاری آمریکائی می‌توان نفت تاجیکستان را استخراج کرد.

آمریکائیا از همین حالا، در اطراف تاجیکستان پرسه می‌زنند و تلاش می‌کنند که «قاب آنها را بدزدند».

همه می‌دانند که آمریکائیا، گربه‌هائی نیستند که برای رضای خدا، موش بگیرند. آنها آمده‌اند تا بر سر سفره «بخور بخور» انگلیس و

تاجیکستان، نقش اساسی و کلیدی دارد. فراموش نکنیم که از نظر تاریخی و فرهنگی، تاجیکستان برای ما، به مانند فلان کشور دور افتاده آن سر جهان نیست، تاجیکستان، همان ایران است با چند تا مرز سیاسی فاصله، و کمک به تاجیکستان، کمک به بخشی از ایران و گروهی از فرزندان ایرانی است. «در خانه اگر کسی است، یک حرف بس است!» □

قصر مو، اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران و خاور میانه



به مدیریت: وارطان

که صاحب طولانی‌ترین، مطلع‌ترین و یکی از بزرگترین استادان ترمیم مو است

توصیه قصر مو به مراجعین محترم: قبل از مراجعه حتماً نوع ترمیم را مقایسه کنید، بعد انتخاب

«ضمناً، دارای انواع مدل‌های کلاه کیس»

برای کسب اطلاعات و مشاوره از ساعت ۹ صبح الی ۱۳

و ۳ تا ۶ بعد از ظهر مراجعه فرمائید

آدرس: بلوار کشاورز - خیابان فلسطین شمالی
ساختمان ۵۵ طبقه سوم. تلفن: ۸۹۴۱۳۶

اجتماعی